



پایه یازدهم

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

درس اول: ستایش

۱. به نام ... شروع می‌کنم: حذف به قرینه‌ی معنوی / زبان و بیان: تناسب
چاشنی و حلاوت: تناسب / زبان: مجاز از سخن / حلاوت‌سنج معنی: حس آمیزی هر دو مصرع منظور خداوند است.

۲. بلند آن سر (است) - آن دل نژند (است): حذف به قرینه‌ی معنوی / تلمیح به آیه: تُعِزُّمَنْ تَشَاءُ وَ تَذِلُّ مَنْ تَشَاءُ
سر بلند بودن: کنایه از والا مقام بودن / معادل: همه بیش تو بگاهی همه کمی تو فزایی

۳. خداوند در احسانش گشاده است: کنایه از بخشنده بودن
در احسان گشاده است: استعاره نوع سوم
پیام: احسان و بخشش خدا پایانی ندارد.

۴. مصرع دوم: کنایه از منظم و دقیق بودن / بیش و کم: تضاد
پیام: در آفرینش خدا نقصی وجود ندارد.

۵. ادبار (بدبختی) - اقبال (خوشبختی) ≠ تضاد
پیام: لطف خدا هر بدبختی را خوشبخت می‌کند.

۶. پا یک سوی نهد: کنایه از خودداری کردن / تدبیر و رای: تناسب
توفیق پا یک سو نهد: تشخیص
پیام: اگر لطف خدا شامل نشود عقل و اندیشه بی اعتبارند.

۷. لطف خدا عقل را از گمراهی نجات می‌بخشد. / روشنائی - تیره: تضاد

۸. عقل گوید: تشخیص
پیام: ناتوان بودن عقل در شناخت خدا

درس اول: نیکی

بیت ۱: خداوند به ناتوانان لطف می کند / دست و پا: تناسب

بیت ۲: دست و پا: تناسب / به سر بردن: کنایه از گذران بودن

بیت ۳: شوریده رنگ بود: کنایه از آشفته بود / شیر و شغال و روباه: تناسب
چنگ و رنگ : خاس ناقص (ناهمسان) / واج آرایبی (ش)

بیت ۴: شیر و سیر: جناس ناقص (ناهمان)
پیام: افراد ناتوان از سهم قدرتمندان می خورند

بیت ۵: تکرار = روز: واج آرایبی (ز)
پیام: خداوند روزی رسان است.

بیت ۶: مرد را دیده: دیده‌ی مرد (را فک اضافه) / تکیه کرد: کنایه از توکل کردن
پیام: یقین پیدا کردن بر روزی رسانی خدا

بیت ۷: مور و زور: جناس ناقص (ناهمسان) / مور و پیل: تضاد
چو مور: تشبیه / به کنجی نشستن: کنایه از تلاش نکردن
پیام: تلاش تأثیری در رزق و روزی ندارد.

www.my-dars.ir

بیت ۸: زرخدان (چانه) به جیب فرو بردن: کنایه از تفکر کردن
جیب و غیب: جناس ناقص اختلافی (ناهمسان)
پیام: تلاش را برای کسب و روزی رها کردن

بیت ۹: بیگانه و دوست: تضاد / چو: تشبیه / رگ و استخوان و پوست: تناسب
چنگ: ایهام تناسب دارد ۱. نوعی ساز ۲. کف دست / مصرع دوم: کنایه از ضعیف شدن

بیت ۱۰: هوش و گوش: جناس ناقص (ناهمسان)

بیت: چو شیر: تشبیه / چو: تشبیه / شیر و روباه: تناسب تضاد

پیام: به زور و تلاش خود تکیه کردن

بیت ۱۱: چو شیر: تشبیه / شیر و روباه: تناسب و تضاد / استفهام انکاری

پیام: به دیگران کمک کردن (نه انتظار کمک داشتن)

بیت ۱۲: بازو: مجاز از قدرت / تلمیح به آیه قرآنی: اینکه انسان جز برای تلاش

نیست / سعی در ترازوی خویش بودن: کنایه از حاصل و تلاش خود را دیدن

پیام: تکیه بر زور و تلاش خود کردن

بیت ۱۳: چو شیر: تشبیه / سیر و شیر: جناس

بیت ۱۴: دست گرفتن: کنایه از یاری کردن / دست بگیر: کنایه از کسی به ما کمک کند

دست و دست: تکرار / جوان و پیر: تضاد

بیت ۱۵: وجود: مجاز از اعمال

پیام: هر کس به مردم خیر برساند مورد رحمت خدا است.

بیت ۱۶: سر: مجاز از وجود / مغز - بی مغز: تضاد / سر و مغز: تناسب

پیام: انسان عاقل و خردمند اهل بخشش است.

www.my-dars.ir

بیت ۱۷: جزای نیکی نیکی است / سرا: استعاره از دنیا

ص: ۱۴

۱. معیار دوستان: روزگار سختی و سلیمان برای سنجش دوستان است.

۲. صورت بی صورت: تناقض / آینه‌ی دل: اضافه‌ی تشبیهی / تلمیح / جیب و غیب: جناس
پیام: جمال و لطف خدا در دل آشکار می‌شود.

۳. فخری که ... فخر آرد از: تناقض

افتخاری که با پست همتی ایجاد شود ننگ و رسوایی است

۴. شام و سحر: تضاد - تناسب / مانند گوهر: تشبیه (شه = شد)

تأثیر گریه و زاری در برآوردن شدن حاجت

۵. منزل حافظ ... : رسیدن به معشوقه (شد = رفت)

۶. عدم نصیحت‌پذیری / چنگ و چنگ: جناس تام (همسان) / چنگ: مجاز

۷. رزق هر چند ... : رزق و روزی می‌رسد اما باید تلاش کرد.

۸ و ۹. کسانی که به فکر دیگران هستند شایسته‌ی ستایش هستند.

۱۰. باید به خود تکیه کنی

پیام ص ۱۶:

تلاش و غیرت بر نیروی بدنی برتری دارد.

www.my-dars.ir

درس دوم: قاضی بست

نکات ارتباط معنایی درس

۱. قناعت ورزیدن (طعم نکردن): قناعت را مورد ستایش قرار دادن
معادل: هر آن کس که سر به جیب قناعت فرو نبرد / بگذار تا به چاه مذلت فرو رود.

۲. انسان‌های بزرگ به مال بی‌ارزش دنیا توجه نمی‌کنند (عقاب هرگز در شکار به گنجشگی توجه نمی‌کند)

شبگیر: صبح زود

شست: شستن او

خواست - خاست: خواستن - بلند شدن

نیشته آمد: نیشته شد

محجوب: حجب و حیا

بزرگ یخ: برای پایین آوردن تب امیر

می روا دارد متمدن: شایسته می‌داند بگیرد

مرا چه افتاده است: چه ربطی به من دارد

بزرگا که شما دوتنید: شما دو تن چقدر بزرگید

محجوب: پنهان

پرده‌های کتان و تأس‌هال

ص ۲۳

حساب خود اینجا کن ...

تلمیح به آیه: کسی بار گناه خود را به روز جزا (قیامت) محاسبه نمی‌کند (حاسبوا قبل أن تحاسبوا)

معادل: هم امروز بارت از پشت بیفکن میفکن به فردا مر این داوری را www.marydars.ir

شعر خوانی: زاغ و کبک

پیام درس: تقلید کورکورانه و نابه‌جا عواقب خوشی ندارد

نکات خاص درس:

زاغ - فراغ - باغ - راغ: جناس ناقص / شاهد ۱. بیننده ۲. معشوقه (زیبارو): ایهام / ام
ادات تشبیه / دامان کوه: اضافه‌ی استعاری / بیت ۵ و ۶: موقوف‌المعانی / بیت ۹: خامی / سوخته: تناقض

درس سوم: در امواج سند (ص ۷۰ تا ۶۸)

۱. قرص خورشید اضافی تشبیهی: اشاره به غروب خورشید

۲. اشاره به نور کم رمق نور خورشید (غروب)

۳ و ۴. روی روز - دامن شب: اضافه استعاری (اشاره به نابودی حکومت خوارزمشاهی)

۵ و ۶. غفلت سبب فاجعه می شود (اشاره به نابودی توسط مغولان)

۷ و ۸. زوال کشور ایران توسط مغولان

۹ و ۱۰. آتش (استعاره از سپاه جلال الدین پسر خوارزمشاه)

۱۱ و ۱۲. باران تیر: اضافه تشبیهی / پولاد: مجاز وسایل جنگی
جلال الدین در فکر کشتن چنگیز بود.

۱۳ و ۱۴. کشتن دشمنان (ولی هرچه می کشت لشکر دشمن تمامی نداشت)

۱۵ و ۱۶. شباهت موجها به کوهها (اغراق) گروه آموزشی عصر

۱۷ و ۱۸. دل شب: اضافه استعاری / سد روان: تناقض / شاه دچار اذیت و آزار می شد.

۱۹ و ۲۰. بنای زندگی بر آب دیدن: کنایه از نابود شدن

۲۱ و ۲۲. فدا کردن همه چیز در راه دفاع از وطن (پایداری کردن)

۲۳ و ۲۴. کشتن دشمن و انداختن خود در رود

۲۵ و ۲۶. چنگیز سلطان جلال‌الدین را مورد ستایش قرار داد.

۲۷ و ۲۸. ایستادگی کردن و قدر وطن را دانستن

۲۹ و ۳۰. فدا شدن وجود در حفظ آرمان‌ها و وطن

ص ۷۳:

بیت ۱: دنیا شایسته‌ی دل‌بستگی نیست

بیت ۲: بخشنده بودن و آزادگی

پیام: چو سرو باش - انسان‌های آزاده به هیچ چیز دل‌بسته نمی‌شوند (نه شاد می‌شوند نه غمگین)

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

املاي سه درس اول

- | | |
|-------------------------------------|---------------------------------|
| ۱. حلاوت منبع | ۲. عطا و احسان |
| ۳. وضع - موضع | ۴. قرین |
| ۵. اقبال | ۶. ازل: زمان بی آغاز |
| ۷. صنّع | ۸. زنخدان |
| ۹. دغل | ۱۰. قرض |
| ۱۱. عار | ۱۲. صائب و صواب |
| ۱۳. صنایع | ۱۴. ضمین |
| ۱۵. اغلب | ۱۶. ارغوان |
| ۱۷. غیرت و حمیت | ۱۸. غالب: اکثر - چیره |
| ۱۹. یوز - باز | ۲۰. چشم و مطربان |
| ۲۱. شرع | ۲۲. خاست برپاشد / خواست: خواستن |
| ۲۳. هزارهز غریو | ۲۴. اعیان |
| ۲۵. صعب | ۲۶. مستحقان |
| ۲۷. توییغ | ۲۸. هذیان |
| ۲۹. سرسام | ۳۰. محجوب |
| ۳۱. عارضه | ۳۲. کراهیت |
| ۳۳. توزی | ۳۴. عقد |
| ۳۵. مخنقه | ۳۶. زایل |
| ۳۷. آجاجی | ۳۸. مهمات |
| ۳۹. مثقال | ۴۰. غزو |
| ۴۱. ضیعت | ۴۲. صلت |
| ۴۳. وزر | ۴۴. حطام |
| ۴۵. فراغ | ۴۶. راغ |
| ۴۷. عرصه | ۴۸. روضه |
| ۴۹. خطوات | ۵۰. متقارب |
| ۵۱. قلم و رقم | ۵۲. طرز |
| ۵۳. مرغزار | ۵۴. غرامت |
| ۵۵. قراضه | ۵۶. خطوه |
| ۵۷. غزو - غزا: جنگ / قضا: قضا و قدر | ۵۸. مستور: پوشیده |

- | | |
|--|-----------------------------------|
| ۶۰. عازم: رهسپار / حازم: هوشیار | ۵۹. خطیب |
| ۶۲. نواحی: سرزمین‌ها / نواهی: تمور نهی شده | ۶۱. مناسک |
| ۶۴. زهد | ۶۳. اصرار: پافشاری / اسرار: رازها |
| ۶۶. صنم | ۶۵. قهر |
| ۶۸. طعن | ۶۷. عمامه |
| ۷۰. مرثیه | ۶۹. تشییع |
| ۷۲. طغیان | ۷۱. خوش‌الحان |
| ۷۴. تبع | ۷۳. محضر |

کلمه‌های هم‌ریشه

- | | |
|---------------------------------------|---|
| ۲. تبع: تابع - متبوع - اتباع - تابعیت | ۱. شریعت: شرع - شارع - تشریح |
| ۴. لقا: ملاقات - تلاقی | ۳. خطیب: مخاطب - خطاب |
| ۶. غزو: غازی - مغازی | ۵. واعظ: وعظ - موعظه - وعاظ |
| | ۷. متقارب: قرب - قربت - قریب - مقرب - تقریب |

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

درس ششم: پرورده عشق

۱. عشق معشوقه در دل عاشق همگانی شد (عاشق در عشق به شهرت رسید)



۲. بدبختی به سراغ عاشق آمد



۳. همه نزدیکان در فکر حل عشق عاشق بودند



۴. معادل بیت ۳



۵. زیارت کعبه سبب حل مشکل می شود.



۶. کعبه محل و قبله گاه همه نیازمندان است.



۷. آماده حج شدن



۸ و ۹. نهایت بندگی در درگاه خداوند



۱۰. زمان را غنیمت دانستن



۱۱ و ۱۲. اینکه از عشق رها شود



۱۵. عاشق معشوقه را رها نمی کند.



۱۶. عشق با عاشق عجین شده است.



۱۷. عاشق زندگی معشوقه را بر خود ترجیح می دهد (ایثار)

۱۸. عاشق خواهان بیشتر عشق است.



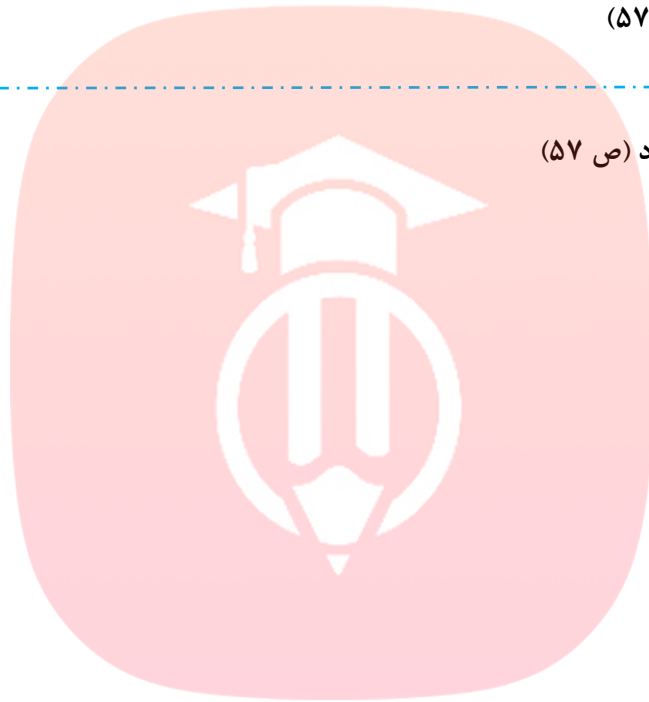
۲۱. درد عاشق درمانی ندارد.



۲۳. تقابل عشق و عقل (ص ۵۷)



دل عاشق هرگز آباد نمی‌شود (ص ۵۷)



مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

درس هفتم: باران محبت

نکات و ارتباط معنایی درس

۱. پاراگراف اول

پیام: اینکه خدا آنان را بی واسطه از گل خلقت کرد.

۲. جملگی ملائکه را در آن حالت ...

پیام: همه فرشتگان از مقام والای انسان باخبر نبودند.

۳. الطاف الوهیت و حکمت ربوبیت ...

پیام: فقط خداست که از راز خلقت انسان آگاه است.

۴. پس از ابر کرم، باران محبت بر خاک آدم بارید ...

پیام: اینکه انسان از آغاز خلقت با عشق همراه بوده است.

۵. شعر: از شبنم عشق خاک آدم گل شد ...

پیام: علت خلقت انسان عشق بوده است و اعتراض فرشتگان به خلقت انسان

۶. سرنشتر عشق بر رگ روح زدند

پیام: آفریدن انسان با عشق

۷. در گل منگرید در دل نگرید

پیام: اعتبار به باطن است نه به ظاهر

۸. گرمی نظری به سنگ بر گمارم

پیام: نظر خدا حتی جمودات را عاشق می کند.

۹. گوهر محبت بود که در صدف امانت معرفت تعبیه کرده بود.

معادل: آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه فال به نام من دیوانه زدند
تلمیح به آیه قرآنی: اِنَّا عرضنا الامانه ...

ص ۶۲:

۱. تا در تحصیل فضل و ادب

پیام: تمایل به یادگیری سبب ارتقاء مقام انسان می شود.

۲. ارباب حاجتیم و زبان سوال نیست

پیام: در درگاه خدا نیازی به بیان حاجت نیست.

۳. نانم افزود و آبرویم کاست ...

پیام: فقر و تهیدستی بهتر از بی آبرویی است.

ص ۶۴:

۱. ناز تو و نیاز تو شد همه دلپذیر من

پیام: ناز معشوقه برای عاشق دلپذیر است. (عشق معشوقه نیاز عاشق را دلپذیر می کند)

۲. نیست جانش محرم اسرار عشق

پیام: تا کسی عاشق نباشد محرم عشق نیست.

معادل: محرم این هوش جز بی هوش نیست

www.my-dars.ir

۳. تو ز قرآن، ای پسر، طاهر مبین:

پیام: ظاهر مهم نیست بلکه باطن مهم است.

تلمیح دارد به آیه: من از او بهترم مرا از آتش آفریده‌ای و او را گل آفریده‌ای

۴. ب: اِنَّا عرضنا الامانه على السموات والارض

تنها انسان توان حمل بار امانت (عشق) را دارد و زمین و آسمان و کوهها توان درک آن را ندارد.

شعر خوانی: آفتاب حسن

۱. عاشقان خواهان دیدن معشوقه و سخن گفتن با او هستند.

۲. معادل بیت ۱: کلمات قند - آفتاب استعاره می‌باشند.

۳. عاشق شیفته خشم و ناز معشوقه است.

۴. خواهان انسان‌های خاص و سرآمد هستم (دوری از انسان‌های بی‌همت و ضعیف)

۵. خواهان انسان کامل بودن

۶. انسان واقعی و کامل وجود ندارد.

۷. خدا در اوج آشکار بودن پنهان است.

(تلمیح به آیهی قرآنی: لاتدرکه الابصار و هو یدرک الابصار)

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

درس هشتم: در کوی عاشقان

نکات درسی:

۱. آتش در کسی زدن: کنایه از گسیخته کردن کسی / سوختگان: استعاره از عاشقان

۲. آفتاب عشق: اضافه‌ی تشبیه‌ی

پیام: استعاره از شمس تبریزی

۳. خدمت شمس زانو زد و نوآموز گشت

پیام: کنایه از آمادگی برای علم آموزشی

۴. شعر: برو بدان حریفان / صنم: استعاره از معشوقه

پیام: آوردن معشوقه‌ای که از عاشق دور شده است.

۵. شعر: به ترانه‌های شیرین: مه خوش لقا: استعاره از معشوقه / حس آمیزی

پیام: آوردن معشوقه با وعده و وعید

۶. شعر: اگر او به وعده گوید

پیام: معشوقه به وعده‌هایش عمل نکند.

۷. شعر چه کنم تو را طلب

پیام: مجاز از همه‌جا به دنبال معشوقه گشتن www.my-dars.ir

۸. طعن و ناسزای عاشقان را هرگز جواب تلخ نمی‌داد

پیام: با دوستان مروت با دشمنان مدارا

۹. شعر: هر نفس آواز عشق / ما به فلک بوده‌ایم / خود ز فلک برتریم

پیام: بازگشت به سوی عالم معنا / ابیات تلمیح دارد به آیه إنالله و إنا الیه راجعون

۱۰. بخت جوان یار ما

پیام: رهبر ما در راه رسیدن به خدا پیامبر اکرم (ص) است.

۱۱. شعر: رو سر بنه به بالین ...

پیام: عاشق خواستار خلوت و تنهایی است.

۱۲. شعر: دردی است غیر مردن ...

پیام: مبتلا بودن به دردی که درمان ندارد.

۱۳. شعر: در خواب دوشی

پیام: آماده مرگ شدن و رها شدن از تعلقات دنیا

۱۴. شعر: به زور مرگ ...

پیام: انسان عاشق غمی از مرگ ندارد

معادل: زین پیش دلورا کسی چون تو شگفت
حیثیت مرگ را به بازی نگرفت

۱۵. کدام دانه فرو رفت

پیام: مرگ پایان عمر انسان نیست (عقیده به روز معاد)

۱۶. چنین قفس نه سزای چو من خوش الحان است

پیام: بازگشت به سوی عالم معنا

تذکر: این درس از دید تاریخ ادبیات نیز باید بررسی شود و از جمله درس‌هایی می‌باشد که طرح کنکور به شکل تاریخ ادبیات سوال می‌دهد.

درس نهم: ذوق لطیف

نکات درس و ارتباط معنایی درس

۱. هر عصب و فکر به منبع بی شائبه ...

پیام: تسلیم شدن در برابر قضا و قدر

معادل: کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید قضا همی بردش تا به سوی دانه و دام

۲. به این زندگی گذرا آن قدرها دل نمی بست ...

پیام: غم و شادی دنیا را پایدار نمی دانست بلکه آن ها را گذرا می دانست.

معادل: چه باید نازش و نالش بر اقبالی و ادباری که تا برهم زنی دیده نه این بینی نه آن بینی

۳. خاله ام با همه تمکنی که داشت ...

پیام: قناعت ورزیدن

۴. کلمه ی سعدی: مجاز از آثار و کتاب سعدی

۵. سعدی آن قدر خود را خم کرد ...

پیام: کدامش در همه تأثیرگذار بود.

۶. سهل و ممتنع: کدامی که در عین آسان بودن گفتن آن کار هر انسانی نیست (در حین ساده بودن بسیار مشکل بودن)

نمونه های آن

الف) سعدی این شیخ همیشه شایب (تناقض)

ب) سخن سهل به همه شبیه باشد و به هیچ کس شبیه نباشد (تناقض)

ج) در زبان فارسی احدی نتوانسته است مانند او حرف بزند (تناقض)

۷. در پالیز سعدی می چریدیم

پیام: کنایه از بهره بودن از آثار سعدی

۸. از لحاظ آشنایی من با ادبیات سعدی برای من به منزله ی شیر آغوز بود

پیام: کلام سعدی بسیار برای من تأثیر گذار بود.

۹. قوز می کردیم و لکه می دویدیم

پیام: دویدن از روی خوشحالی

۱۰. کلماتی که بروزن فعلان باشد معنای جوش و خروش می دهد

مثال: هیجان ، فوران، غلیان ، نوسان، جریان

۱۱. کیبده: در اصل بوده است کیود + ده (کاهش)

۱۲. بیت: به حرص از شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم: شعر حُسن تعلیل دارد

پیام: اگر خطایی در نوشته‌هایم دیده شد علت مشکلاتی بود که در امر یادگیری داشتم

(عذر و پوزش برای خطاها)

۱۳. شعر: هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای

پیام: عاشق حضور در جمع دارد اما دلش در جای دیگری است (تناقض)

۱۴. کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق

تناقض: عاشق در کنار معشوقه احساس آرامش می کند.

گروه آموزشی عصر

۱۵. سراچه‌ی ذهنم آماس می کرد: کنایه از بیش از حد مطالعه کرن

www.my-dars.ir

درس دهم: بانگ جرس

۱. وقت است تا برگ سفر بر باره بندیم / دل بر عبور از سدّ خار و خاره بندیم
 برگ بر باره بستن: کنایه از آماده حرکت شدن / دل بر چیزی بستن: کنایه از عزم و قصد چیزی را کردن
 سدّ خار - سدّ خاره: اضافه تشبیهی / خار و خاره - باره و خاره: جناس ناهمسان
 پیام: همت کردن برای مبارزه با مشکلات و عبور از آن

۲. از هر کران بانگ رحیل آید به گوشم / بانگ از جرس برخاست وای من خموشم
 بانگ و خموش: تضاد / بانگ به گوش آمدن: کنایه از آماده حرکت شدن / جرس - بانگ - رحیل: تناسب
 پیام: هشدار برای آگاهی (غفلت نکنیم)

۳. دریادلان راه سفر در پیش دارند / پا در رکاب راهوار خویش دارند
 پا در رکاب داشتن: کنایه از آمادگی / دریادل: کنایه از افراد شجاع
 پیام: آمادگی برای مبارزه با مشکلات

۴. گاه سفر آمد برادر ره دراز است / پروا مکن بشتاب همت چاره‌ساز است
 همت چاره‌ساز است: تشخیص / ره دراز است: کنایه از مشکلات زیاد
 پیام: چاره‌ساز همه مشکلات تلاش و همت است.

۵. گاه سفر شد باره بر دامن برانیم / تا بوسه‌گاه وادی ایمن برانیم
 باره بر دامن راندن: کنایه از حرکت کردن / وادی ایمن: تلمیح دارد به نبوت حضرت موسی در وادی ایمن (در سمت راست کوه طور)
 وادی ایمن: استعاره از فلسطین
 پیام: آماده شدن به سمت سرزمین فلسطین

۶. وادی پر از فرعونیان و قبطیان است / موسی جلودار است و نیل اندر میان است
 فرعونیان و قبطیان: استعاره از اسرائیلی‌ها / موسی: استعاره از امام خمینی
 نیل: استعاره از مشکلات / تلمیح به داستان حضرت موسی (ع) و نجات دادن قوم بنی‌اسرائیل از رود نیل و فرعون

موسی - فرعون - نیل: تناسب / فرعونیان و موسی: تضاد
پیام: اشاره به خطرات راه و اینکه باید تابع رهبر و مرشد باشیم.

۷. تنگ است ما را خانه تنگ است ای برادر بر جای ما بیگانه تنگ است ای برادر

خانه: استعاره از فلسطین / خانه تنگ است: کنایه از ناراحت و دل آزرده بودن

تنگ و ننگ: جناس ناهمسان

پیام: اظهار شرم و رسوایی از اینکه سرزمین در دست دشمن باشد.

۸. فرمان رسید این خانه از دشمن بگیرید تخت و نگین از دست اهریمن بگیرید

خانه: استعاره از فلسطین / تخت و نگین: مجاز از حکومت

نگین: مجاز از انگشتی - تلمیح به داستان حضرت سلیمان (ع)، اینکه دیو (شیطان) انگشتی را از دست سلیمان دزدید و بر

جهان حکومت کرد / تخت و نگین: تناسب

پیام: سرزمین فلسطین از دست اسرائیل پس گرفتن

۹. یعنی کلیم آهنگ جان سامری کرد ای یاوران باید ولی را یآوری کرد

کلیم: استعاره از امام خمینی / سامری: استعاره از اسرائیلی‌ها

تلمیح به داستان حضرت موسی (ع) و شخصی به نام سامری که با جادوگریش مردم را فریب داد و همراه کرد

کلیم و سامری: تضاد

پیام: با کمک و یاری رهبر، اسرائیل را نابود کردن

۱۰. حکم جلودار است بر هامون بتازید هامون اگر دریا شود از خون بتازید

اغراق (هامون به دریای خون تبدیل شود) / هامون به مانند دریا شود: تشبیه

پیام: تابع رهبر بودن در هر شرایطی

۱۱. فرض است فرمان بردن از حکم جلودار گر تیغ بارد گو بیارد، نیست دشوار

تیغ بارد: استعاره = اغراق / تیغ باریدن: کنایه از شدت سختی و مشکلات

پیام: تابع رهبر و مرشد بودن

۱۲. جانان من برخیز و آهنگ سفر کن / گر تیغ بارد گو بیارد جان سپر کن

تیغ بارد: استعاره - اغراق / تیغ باریدن: کنایه از شدت سختی

جان سپر کن: کنایه از فداکاری / تیغ و سپر: تناسب

پیام: با همه سختی‌ها به سمت هدف حرکت کردن

۱۳. جانان من برخیز بر جولان برانیم / زان جا به جولان تا خط لبنان برانیم

جولان (نام سرزمینی) - جولان (تاخت و تاز): جناس همسان / خط: مجاز از مرز

پیام: حرکت به سمت فتح فلسطین و لبنان

۱۴. آن جا که هر سو صد شهید خفته دارد / آن جا که هر کویش غمی بنهفته دارد

سو - کو: جناس ناهمسان

پیام: اینکه سرزمین فلسطین و لبنان سراسر پر از شهید و غم است.

۱۵. جانان من اندوه لبنان گشت ما را / بشکست داغ دیر یاسین پشت ما را

گشت و پشت: جناس ناهمسان / دیر یاسین: اشاره به کشتار فلسطینی‌ها

پشت ما را شکست: کنایه از عزادار کردن

پیام: شدت غم و غصه لبنان

۱۶. باید به مژگان رُفت گرد از طور سینین / باید به سینه رفت زین جا تا فلسطین

طور سینین: مجاز از فلسطین / به مژگان رُفتن: کنایه از نهایت احترام

با سینه رفتن: کنایه از نهایت اشتیاق / رُفت و رفت: جناس ناهمسان / اغراق

پیام: نهایت احترام و اشتیاق به سرزمین فلسطین

۱۷. جانان من برخیز و بشنو بانگ چاووش / آنک امام ما علم بگرفته بر دوش

علم بر دوش گرفتن: کنایه از رهبری کردن (هدایت کردن لشکر به سمت جلو)

چاووش و علم: تناسب

۱۸. تکبیر زن، لَبّیک گو بنشین به رهوار مقصد دیار قدس هم پای جلودار

به رهوار نشستن: کنایه از آماده شدن برای جنگ / هم پای: مجاز از همراه
پیام: تابع رهبر و مرشد در طول مسیر

۱۹. ای کعبه به داغ ماتمت، نیلی پوش وز تشنگی ات فرات در جوش و خروش

جز تو که فرات، رشحه‌ای از یم توست دریا نشنیدم که کشد مشک به دوش
شاعر به شکل حُسن تعلیل علّت نیلی پوش بودن کعبه را عزاداری برای حضرت ابوالفضل می‌داند
رشحه و دریا: تضاد و تناسب / کعبه نیلی پوش است: تشخیص / تلمیح به شهادت حضرت ابوالفضل و فداکاری او
فرات در جوش و خروش - دریا مشک به دوش کشد: تشخیص
دریا: استعاره از حضرت ابوالفضل (ع)
پیام: فداکاری حضرت ابوالفضل (ع)

آسمان دف می‌زد - رنگین کمان از شوق و شور: تشخیص

شوق و شور: جناس ناهمسان / آسمان - رنگین کمان - ابر: تناسب

خورشید در جشنی بی غروب بر بام روشن جهان ایستاده بود و توّلّد جمهوری گل محمّدی

تشخیص / بام جهان: اضافه استعاری / گل محمّدی: اسلامی / بی غروب: کنایه از بی پایان

بیست و دوم بهمن در هیئت روزی شکوهمند آرام آرام از یال کوه‌های بلند و برق‌گیری فرود آمد و در محوّطه آفتابی

انقلاب ابدی شد

بیست و دوم بهمن فرود آمد: تشخیص / یال کوه‌ها: اضافه تشبیهی

یال: مجاز از گردن / محوّطه انقلاب: اضافه استعاری

ما در سایه خورشیدی ترین مرد قرن به بار عام رحمت الهی راه یافتیم و صبح روشن آزادی را به تماشا ایستاده‌ایم

سایه خورشید: تناقض / بار رحمت: اضافه تشبیهی / صبح آزادی: اضافه تشبیهی

خورشیدی ترین مرد قرن: استعاره از امام خمینی

تقدیر لبخند زد: تشخیص / جلوه‌های تقدیر: تشخیص / صبح روشن: استعاره از انقلاب

درس یازدهم

بیت ۱: بشارت دادن به کسی که تاریکی‌ها را از بین می‌برد.

بیت ۲: منجی‌ای که راه عشق را به همه نشان می‌دهد.

بیت ۳: اشکی را توضیح می‌دهد که از چشمان سرازیر می‌شود.

بیت ۴: بهار نشان دهنده‌ی شهدایی است که بیانگر حضور حضرت مهدی (ع) است.

بیت ۵: شهادت شهید به قصد آگاه کردن

بیت ۶: فدا کردن جان عشق در راه عشق

بیت ۷: ظهور حضرت مهدی (ع) برای حفظ دین اسلام

پیام: بیا عاشقی را رعایت کنیم، سفارش به عشق‌ورزی پر مخاطره بودن راه عشق

بیت: از آن‌ها که خونین سفر کردن

معادل: نی حدیث راه پر خون می‌کند قصه‌های عشق مجنون می‌کند.

بیت: ستایش شهداء که پیام‌شان نورانی بود.

www.my-dars.ir

بیت: چه جانانه چرخ جنون می‌زنند

پیام: با شور و حال جان فدا کردن

بیت: به رقصی که بی پا و سر می‌کنند

جانبازی شهداء: تناقض

بیت: هلا منکر جان و جانان ما

پیام: عاشق به سرزنش و ملامت غیرعاشقان توجهی نمی‌کند.

معادل بیت: پیاپی بکش جام و سرگرم باش بهل گر بگیرند ز پیکارها

بزن زخم، این مرهم عاشق است: تناقض

معادل: همچو نی زهری و تریاقی که دید؟

بیت: مگر سوخت جان من از فرط عشق

پیام: عاشق سکوت می‌کند

بیت: عاشق راز عشق آشکار نمی‌کند

معادل: آن را که خبری شد خبری باز نیامد

بیت: بین لاله‌هایی که در باغ ماست

عاشق سکوت می‌کند و جانش را فدا می‌کند: تناقض

بیت: بیا با گل لاله بیعت کنیم

پیام: از اهداف و آرمان‌ها حمایت کردن

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

درس دوازدهم: کاوه دادخواه

بیت ۱: زمان پادشاهی ضحاک طولانی شد.

بیت ۲ و ۳: با ارزش‌ها بی‌ارزش شد و بالعکس

بیت ۴: روزگار بر ضحاک سخت شد.

بیت ۵: ضحاک هیچ آرامش نداشت.

بیت ۶: از طریق بزرگان بتواند از سختی رها شود.

بیت ۷ و ۸: موقوف‌المعانی
یک دشمنی دارم که تمام خردمندان از آن آگاه هستند.

بیت ۹: از لحاظ سن و سال کم است اما بزرگ و شجاع بود.

بیت ۱۰: همه شهادت بدهند که ضحاک نیکوکار است.

بیت ۱۱: همه با ضحاک همراه شدند (از ترس جانشان)

بیت ۱۲: چه پیر چه جوان به ناچار گواهی دادند (که ضحاک نیکوکار است)

بیت ۱۳: ناگهان از دربار ضحاک صدای کاوده دادخواه بلند شد.

بیت ۱۴: کاوهی ستم دیده را به حضور ضحاک احضار کردند و او را در کنار بزرگان نشانند (ریاکاری)

بیت ۱۵: ضحاک به حالت خشم گفت که بیان کن چه کسی به تو ظلم کرده‌اند.



بیت ۱۶: دادخواهی کاوه (نشان عدم ترس کاوه)



بیت ۱۷: دادخواهی کاوه (فرد بی آزار آهنگر هستیم که شاه به من ظلم و ستم می‌کند)



بیت ۱۸: تو شاه هستی یا ازدها هستی (ظالم هستی)



بیت ۱۹: اگر جهان از آن تو است چرا سهم ما رنج و سختی است.



بیت ۲۰: از گفتار کاوه دچار شگفتی و تعجب شد.



بیت ۲۱ و ۲۲: فرزند کاوه را به او دادند و ضحاک از کاوه خواست که به آن محضر گواهی دهد.



بیت ۲۳ و ۲۴: وقتی کاوه همه استشهدانامه را خواند فوراً به سوی بزرگان آن کشور فریاد زد ای کسانی که از خداوند

ترسی ندارید.



بیت ۲۵: همه گمراه شدید و همراه ظالم شدید.



بیت ۲۶: ترسی از ظالم ندارم.



بیت ۲۷: شجاعت کاوه (دریدن استشهدانامه)



بیت ۲۸: اتحاد مردم در انقلاب با کاوه



بیت ۲۹: دادخواهی و دعوت مردم به قیام

بیت ۳۰ و ۳۱: موقوف‌المعانی دارد - آماده قیام و پیش بند را پرچم قرار دادن

بیت ۳۲ و ۳۳: حمایت از حق به شرط رها شدن از ظلم است.

بیت ۳۴: دعوت به قیام و ریاکاری ضحاک

بیت ۳۵: اتحاد مردم با کاوه

بیت ۳۶: سپاه را به سمت فریدون هدایت کردن

بیت ۳۷ تا ۴۱: کاوه به سمت فریدون آمد و چه پیر و چه جوان به سوی لشکر فریدون گرویدند و از سلطه ضحاک خارج شدند.

بیت ۴۲ تا ۴۶: فریدون ضحاک را در کوه دماوند به بند کشید و ظلم و ستم ضحاک را از بین برد.

ص ۱۰۶:

بیت: تو یک ساعت چو افریدون به میدان باش تازان پس

پیام: اگر در راه دین بی‌باک و نترس باشی پیروزی و موفقیت نصیب می‌شود.

تذکر: درفش کاویان نماد پیروزی و موفقیت

ص ۱۰۷:

با جوانان چو دست بگشادی ...

پیام: زور بازو و قدرت داشتن

بیت: زور داری چو نداری علم کار: دانش در هر کاری لازم است.

تذکر: کلمه‌ی «سبک» در شعر و نثر قدیم گاهی اوقات معنای فوراً می‌دهد.

تذکر: حرف «گر» اگر در وسط بیتی بیاید و قبلش حرف واو باشد معنای حرف «یا» می‌دهد.

مثال: تو شاهی و گر (یا) ازدها پیکری / و گر (یا) جنگ ایران و کابلستان

حمله‌ی حیدری: نکات درس

بیت ۱: گشوده نظر: کنایه از منتظر بودن / کمر بستن: کنایه از آماده شدن برای جنگ

بیت ۲: بیت ۲ با سرعت تاختن و مبارز طلبیدن

بیت ۳: اغراق در هیبت عمرو و ترسیدن همه از او

بیت ۴: خواهان هم‌رزم شدن

بیت ۵: ترس همه سپاه از عمرو

بیت ۶: انتظار پیامبر اکرم (ص) از همه برای جنگ با عمرو

بیت ۷: شجاعت حضرت علی (ع) در جنگ با عمرو

بیت ۸: پیامبر اکرم (ص) اجازه‌ی نبرد به حضرت علی (ع) نداد

بیت ۹: رویارویی حضرت علی (ع) با عمرو

بیت ۱۰: جنگیدن دو پهلوان با هم

بیت ۱۱: توصیف بسیار هولناک دو مبارز

بیت ۱۲: عمرو در جنگ پیش قدم شد

بیت ۱۳: جنگیدن دو مبارز

بیت ۱۴: پافشاری و شدت خشم



بیت ۱۵: وقتی به مراد و خواسته‌ی خود نرسیدند دوبار جنگیدند.



بیت ۱۶: بی‌نظیر بودن آن دو در جنگ



بیت ۱۷: توصیف نبرد دو مبارز (اغراق)



بیت ۱۸: اغراق در توصیف جنگ



بیت ۱۹: اغراق در شمشیر زدن و تیراندازی



۲۰ و ۲۱: دو بیت موقوف‌المعانی دارد.

تلمیح به غدیر خم: وصی نبی و اینکه حضرت علی (ع) با جذب نگاه از او زهر چشم گرفت.



بیت ۲۲: توصیف قدرت بازوی حضرت علی (ع) - تلمیح به جنگ خیبر



بیت ۲۳: شمشیر زدن حضرت علی (ع) با تکیه به نام خدا



بیت ۲۴: یاس و ناامیدی شیطان (از اینکه نتوانست به مراد و خواسته خود برسد)



بیت ۲۵: ضربه‌ی حضرت علی (ع) سبب ترس و لرز کفر شد.



بیت ۲۶: هلاک و نابودی عمرو



بیت ۲۷: قدرت حضرت علی (ع) در ضربه زدن به دشمن

بیت ۲۸: جبرئیل به نشان احترام دستان حضرت علی (ع) را بوسید.
 تذکر: غضنفر - شیراله - هژبر - نهنگ - بازوی دین: استعاره از حضرت علی (ع)
 کلمات: پلنگ - آهنین کوه - اژدها - ژنده فیل: استعاره از عمرو
 تذکر: شیراله - اژدها: عیب قافیه دارند زیرا حرف آخرشان یکسان نیست.
 سپر بر سر آورد شیراله علم کرد شمشیر آن اژدها

ص ۱۱۵:

بیت ۱: خلوص در عمل و از نیرنگ و ریا به دور بودن

بیت ۲: پیروز شدن بر دشمن

بیت ۳: توهین به مقام حضرت علی (ع)

بیت ۴: جنگ را رها کردن و در کشتن دشمن تاخیر کردن

بیت ۵: عمرو از عفو و بخشش حضرت علی (ع) تعجب کرد.

بیت ۶: تعجب کردن از اینکه حضرت علی (ع) او را نمی کشد.

بیت ۷: بنده و مطیع خدا بودن نه اسیر نفس

بیت ۸: اسیر هوا و هوس نبودن (کردار نشان دین است)

شعر خوانی (وطن)

۱. از نژاد بزرگان و پهلوانان بودن
۲. فدا کردن جان در راه وطن
۳. دفاع از وطن و فدا کردن جان
۴. دشمن وطن از شیطان بدتر است
۵. سرزمین ایران را با عزت دانستن
۶. فدا کردن جان در دفاع از وطن

درس پانزدهم: کبوتر طوقدار

۱. پاراگراف اول: توصیف زیبایی چمنزار و صیدگاه (زشت، زیبا جلوه می‌کرد)



۲. بیت: درخشان لاله در وی چون چراغی: توصیف گل لاله و سیاهی داخل آن



۳. بیت: شقایق بر یکی پای ایستاده: توصیف گل شقایق



۴. این مرد را کاری افتاد ... : محافظه کار بودن و با احتیاط بودن



۵. اتحاد و همدلی سبب نجات و رهایی است (از متن درس)



۶. ایثار و فداکاری (زمانی که کبوتر مطوقه به زبرا می‌گوید که اول بند دستان را باز کن و خود را فدای دوستان می‌کند)



۷. از تجارب برای دفع حوادث سلاح‌ها توان ساخت: تجربه آموختن از حادثه‌ها در هنگام مقابله با مشکلات



۸. پیروی و طاعت‌پذیری از رهبر و مرشد در همه‌ی احوال (از متن درس)



۹. هوشیاری و باتجربه بودن (در متن درس زمانی که از زبرا سخن می‌گوید)



۱۰. در غم و شادی یار و همراه بودن (در هنگام بلا شرکت بوده است ...)



۱۱. کسی که به اهداف بزرگ فکر می‌کند طی مراحل مسیر برای او آسان است

(متن: اگر از گشادن عقده‌های من آغاز کنی ملول شوی ...)

درس شانزدهم: قصه عینکم

۱. به قدری این حادثه زنده است که از میان تاریکی های حافظه ام روشن و پرفروغ مثل روز می درخشد.

پیام: اشاره دارد به ماندگاری خاطرات در ذهن / زنده است: کنایه از تازه بودن

۲. دو برادری مثل علم یزید می مانید دراز دراز می خواهید بروید آسمان شوربا بیاورید.

هر دو عبارت: کنایه از قدبلند بی قواره

۳. به شتر افسار گسیخته می مانی، شلخته و هر دم بیل و هپل هپو هستی

کنایه از بی نظم و انضباط بودن

۴. تمام غفلت هایم را که ناشی از ناپینایی بود حمل بر بی استعدادی ها و مهملی و ولنگاری ام کردند.

تمام خطاهای جسمانی ام را ناشی از بی عرضگی و بی لیاقتی می دانستند.

۵. من به رگ غیر تم بر می خورد.

کنایه از ناراحت شدن

۶. پدرم دریادل بود در لاتی کار شاهان می کرد ساعتش را می فروخت و مهماتش را پذیرایی می کرد.

پیام: اهل بذل و بخشش بودن در زمان ناتوانی

۷. سر به سر خواهرم بگذارم و دهم کجی کنم.

کنایه از مسخره کردن - اذیت کردن

www.my-dars.ir

۸. چشم مسله بودن: کنایه از عینکی

۹. کاسه ای زیر نیم کاسه باشد

کنایه از نقشه یا حيله ای باشد

۱۰. چنان غرق لذت بودم که سر از پا نمی شناختم

من غرق بودم: استعاره / سر از پا نشناختم: کنایه از شادی و اشتیاق زیاد

۱۱. من بدبخت هم دست و پایم را گم کردم.

کنایه از هول شدن

۱۲. به دیدن تو چنان خیره‌ام که نشناسم تفاوت است اگر راه و چاه را حتی

پیام: محو چهره معشوقه شدن / راه - چاه: جناس ناهمسان - تضاد / راه - را: جناس ناهمسان

۱۳. تو را به آینه‌داران چه التفات بود؟ چنین که شیفته‌ی حسن خویشتن باشی

پیام: زیبایی معشوقه و اینکه به زیبایی خود می‌نازد / استفهام انکاری

نکات درس روانی خوانی

۱. برف بلند را می‌کوبید و پیش می‌رفت یا برف کوبیده را بیش می‌کوبید

مسیر ناهموار را طی کردن

۲. گرمایی بود: کنایه از صمیمیت و دوستی

۳. با مغزهایتان با حکومت طرف شوید با قلب‌هایتان با خدا

پیام: با خدا با نهایت اخلاص طرف شوید و با حاکمان زمانه با عقل و استدلال

www.my-dars.ir

۴. این‌جا به هیچ قیمت نشکنید، آن‌جا شکسته و خمیر شده باشید اگر این‌جا همه‌اش در پرده بمانید آن‌جا، در محضر

خدا پرده‌ها را بردارید.

پیام: در مقام حاکمان خوار و ذلیل نشوید اما در مقابل خدا متواضع باشید این‌جا مخفی باشید و در آن‌جا اسرار آشکار کنید.

۵. قدره‌کش بودن: کنایه از ظالم و ستمگر بودن

پاسخ در آستین داشتن: کنایه از آماده و مهیا بودن برای پاسخگویی

۶. سخنان نمکین: حس آمیزی / شوخ طبع و جدی: تضاد / چننه: مجاز از ذهن و فکر
در چننه داشت: کنایه از در اختیار و دسترس داشتن

۷. بی هوا پرتاب کردن: کنایه از ناگهانی / سنگر مشروطیت: اضافه تشبیهی

۸. سلطه خاموشی: تشخیص / شرع و شرط: جناس ناهمسان

۹. از چاله به چاه خواهد افتاد: کنایه از بدتر شدن اوضاع
معادل: از بیم عقرب جراره دموکراسی به مار غاشیه سرهنگها پناه ببرد.

۱۰. گرچه به سنگر ظلم حمله می کند اما از سنگر عدل به سنگر ظلم می تازد.
پیام: مبارزه با ظلم و ستم اما نه در دفاع از عدل و عدالت / سنگر ظلم - سنگر عدل: اضافه تشبیهی

۱۱. کلام خام، بدتر از طعام خام است.

پیام: سنجیده سخن گفتن

۱۲. به هنگام برخاستن را می دانست چنان که به هنگام سخن گفتن

پیام: رفتار سنجیده داشتن

۱۳. رفت تا باز برفهای نکوبیده را بکوبد.

پیام: ایستادگی و مبارزه

www.my-dars.ir

۱۴. شب به شدت سرد بود و دل به حدت گرم: پایداری و مقاومت

سرد و گرم: تضاد / شدت و حدت - سرد - گرم: سجع / دلگرم بودن: کنایه از امیدوار بودن

۱۵. که آتشی که نمیرد همیشه در دل او بود، تضمین از بیت حافظ:

از آن به دیر معانم عزیز می دارند که آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست

پیام: هر کس عشق ندارد نیست باد / ماندگاری عشق در دل عاشق
آتش: استعاره از عشق

۱۶. سنگین کردن: کنایه از احاطه کردن کسی / سنگ روی سنگ گذاشتن: کنایه از همدلی

۱۷. شهر سرد، مهتاب سرد، یک تاریخ سرما و جوانی که با آتش درون، پیوسته و مخاطره‌سوختن بود: تلاش برای نجات مردم در میان سکوت و غفلت



مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

درس هفدهم: خاموشی دریا

۱. از شعله، به خاطر روشنایی اش / سپاس‌گزاری کن / اما چراغدان را هم / که همیشه صبورانه در سایه می‌ایستد / از یاد مبر
پیام: از کسانی که زمینه‌ساز موفقیت بودند یاد کن / شعله: نماد راهنما / چراغدان: شخصی که زمینه‌ساز آگاهی است / شعله و روشنایی: تناسب

۲. گریه کنی اگر / که آفتاب را ندیده‌ای / ستاره‌ها را هم / نمی‌بینی
پیام: اگر به گذشته افسوس بخوری لذت حال را هم از دست می‌دهی / آفتاب: مجاز از خورشید
آفتاب: نماد نعمت‌های بزرگ / ستاره: نماد نعمت‌های کوچک / آفتاب و ستاره: تناسب

۳. ماهی در آب خاموش است و / چارپا روی خاک هیاهو می‌کند و / پرنده در آسمان آواز می‌خواند / آدمی / اما / خاموشی دریا و / هیاهوی خاک و / موسیقی آسمان را در خود دارد
پیام: انسان نماینده همه مخلوقات است و همه امکانات همه مخلوقات را دارد
ماهی - آب - دریا: تناسب / پرنده و آسمان: تناسب / موسیقی و آواز: تناسب
خاموشی - هیاهو: تضاد / خاک - آسمان: تضاد / دریا: مجاز از مخلوقات دریایی
خاک (در عبارت آخر): مجاز از مخلوقات زمینی

۴. هنگامی که / در فروتنی بزرگ باشیم / بیش از همه به آن بزرگ نزدیک شده‌ایم
پیام: تواضع و فروتنی مقام انسان را بالا می‌برد / بزرگی به همراه فروتنی

۵. ممکن از ناممکن می‌پرسد / خانه‌ات کجاست / پاسخ می‌آید: / در رویای یک ناتوان
پیام: کسی که در رویای خود از انجام کاری عاجز است نمی‌تواند ناممکن را ممکن سازد

۶. از آسمان تاج بارد اما بر سر آن کس که سر فروآرد
پیام: تأکید بر روی تواضع و فروتنی / بارد و فروآرد: سجع / تاج بارد: استعاره / تاج: مجاز از مقام

۷. من به شما می‌گویم که زندگی به راستی تاریکی است، مگر آن که شوقی باشد
پیام: زیبایی زندگی شوق و اشتیاق است.

۸. شوق همیشه کور است مگر آن که دانشی باشد

پیام: شوق و اشتیاق بدون علم و آگاهی اعتباری ندارد / کور بودن: کنایه از ناتوانی / شوق کور است: تشخیص

۹. و دانش همیشه بیهوده است مگر آن که کاری باشد

پیام: علم بدون عمل بی ارزش است.

معادل: سعدیا گرچه سخندان و مصالح گویی به عمل کار برآید به سخندانی نیست

۱۰. و شما را اگر توان نباشد که کار خود به عشق درآمیزید و پیوسته بار وظیفه‌ای را بی رغبت به دوش کشید زنه‌ار،

دست از کار بشوید.

دست شستن: کنایه از رها کرد / بار وظیفه: اضافه تشبیهی / بار و دوش: تناسب

پیام: کار و عمل بدون عشق و محبت ارزشی ندارد.

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

درس هجدهم: خوان عدل

۱. شرق از آن خداست / غرب از آن خداست / و سرزمین‌های شمال و جنوب نیز / آسوده در دستان خداست
پیام: همه جهان در اختیار خداست (همه چیز از آن خداست)

۲. اوست که عادل مطلق است / و خوان عدل خود را بر همگان گسترده

پیام: عدل خدا / باران رحمت بی حسابش همه را رسیده
خوان عدل: اضافه تشبیهی / خوان گستردن: کنایه از لطف و بخشش خدا شامل همه است

۳. اگر فکر و حواسم این جهانی است / بهره‌ای والاتر از بهر من نیست

پیام: شرط رسیدن به کمال، عدم دلبستگی به تعلقات است
خاک: مجاز از امور دنیوی / غبار: استعاره از وجود بی‌ارزش / خاک و غبار: تناسب

۴. هر نفسی را دو نعمت است / دم فرو دادن و برآمدنش / آن یکی ممد حیات است / این یکی مفرح ذات

پیام: نعمت‌های خدا از بی‌شمار هست / حیات و ذات: سجع / فرودادن - برآمدن: تضاد

۵. و چنین زیبا، زندگی در هم تنیده است / و تو شکر خدا کن به هنگام رنج / و شکر او کن، به وقت رستن از رنج

پیام: در هر حال شاکر خدا باش

۶. بگذار بر پشت زین خود معتبر بمانم / تو در کلبه و در خیمه خود باز بمان / بگذار که سرخوش و سرمست به

دوردست‌ها روم / و بر فراز سرم هیچ جز اختران نبینم

پیام: از حد و حدود گذشتن و سرمست از سرزمین‌های تازه

بر پشت زین خود بودن: کنایه از سیر و سفر رفتن

۷. او اختران را در آسمان نهاده / تا به برّ و بحر نشانمان باشند / تا نگه به فرازها دوزیم / تا از این ره لذت اندوزیم

پیام: ستارگان راهنمای انسان‌های مسافر هستند / دوزیم و اندوزیم: تضاد / برّ و بحر: مجاز از همه جا

۸. مگر نه راهنمای ما هر شامگاهان با صدای دلکش بیتی چند از غزل‌های شورانگیز تو را می‌خواند تا اختران آسمان را بیدار کند و رهزنان کوه و دشت را بترساند؟

پیام: شعر حافظ سبب آرامش می‌شود و حد و مرز ندارد.

بیدار شدن اختران: تشخیص / علت غزل خواندن راهنما را بیدار کردن ستارگان می‌داند: حُسن تعلیل



۹. در کویر بیرون از دیوار خانه، پشت حصار ده، دیگر هیچ نیست، صحرای بی‌کرانه عدم است

پیام: در کویر راه به سوی معنویت گشوده است.



۱۰. آذر باد یک مرغ عادی نبود که از تمرین سر بخورد

پیام: مدام تلاش کردن / سر خوردن: کنایه از خسته شدن



۱۱. بیشتر مرغ‌های دریایی نمی‌خواستند بیش از آن چه راجع به پرواز می‌دانستند بیاموزند ولی آذرباد بیش از هر چیز

در زندگی از آموختن پرواز لذت می‌برد

پیام: هدفی بزرگ‌تر از خواسته‌های مادی داشتن



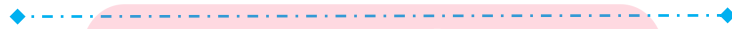
۱۲. پوست و استخوان: کنایه از لاغر شدن



۱۳. نان و آب: مجاز از خوراک / نان و آب نشدن برای کسی: کنایه از بی‌فایده بودن



۱۴. صدای خشک: حس آمیزی / خشک بودن: کنایه از خشن بودن



۱۵. می‌دانست که او تنها جسمی مرگب از استخوان و پر نیست بلکه مظهر و نماینده کاملی از آزادی ...

پیام: اعتبار انسان به روح است نه جسم



۱۶. هریک از ما در واقع صورتی از مرغ حقیقت هستیم

پیام: هر آدمی نمادی از وجود خداوند است / مرغ حقیقت: اضافه تشبیهی

۱۷. سرتاسر بدن شما چیزی جز اندیشه‌های شما نیست

پیام: انسان اعتبارش به اندیشه‌ها و افکارش است.

معادل: ای برادر تو همان اندیشه‌ای / مابقی خود استخوان و ریشه‌ای

نیایش (الهی)

۱. الهی ز عصیان مرا پاک کن
در اعمال شایسته چالاک کن
پیام: استغفار و توبه

۲. به عصیان سراپای آلوده‌ام
سراپا ز آلودگی پاک کن
پیام: توبه / آلوده و پاک: تضاد / سراپا: مجاز از کل وجود

۳. دلم را بده عزم بر بندگی
نه چون بی‌غمانم هوسناک کن
پیام: دوری از هوا و هوس (توفیق در طاعت و بندگی)

۴. به خاک درت گر نیارم سجود
مکافات آن بر سرم خاک کن
پیام: بنده اعتبارش به بندگی و عبادت هست و گرنه شایسته مرگ و نابودی است
در - گر - بر - سر: جناس ناهمسان / خاک بر سر کردن: کنایه از خوار و ذلیل شدن

۵. نشاطی بده در عبادت مرا
دل لشکر دیو، غمناک کن
پیام: توفیق بندگی و عبادت را به دست آوردن / دیو: استعاره از شیطان

لشکر دیو: استعاره از تمایلات و خواهش‌های نفسانی / نشاط و غمناک: تضاد

www.my-dars.ir

۶. به حشرم بده نامه در دست راست
ز هولم در آن روز بی‌باک کن
پیام: تقاضای خیر و سعادت در روز قیامت

تلمیح به آیه: فَأَمَّا مَنْ أُوْبِي كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَسَوْفَ يَحْسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا

نامه در دست داشتن: کنایه از رستگار بودن

املائی درس‌ها (از درس پنجم تا آخر)

عصبی	۱۹. سهل و ممتنع	۳۷. صورت‌نگر / غنا	غنا
۲. تحفه	۲۰. اقناع	۳۸. وقار / رایت	رایت
۳. بی شائبه	۲۱. مسرور	۳۹. انس / انفاس	انفاس
۴. عارضه	۲۲. نمد و نمط	۴۰. زرخدان / مهد	مهد
۵. ظرافت و نقل	۲۳. بذله‌گو	۴۱. مساعدت / گزاف	گزاف
۶. لطایف	۲۴. فروغ	۴۲. هم‌ریشه کلمات	طرز
		انس: انیس - موانس - مونس	
۷. اندرز	۲۵. عندلیب	قریحه: قرایح	غایت
۸. تمثیل	۲۶. مسرت	متأثر: تأثر - تأثیر	بلاغی
۹. تشریح	۲۷. قبا	مسرور: مسرت - سرور	صیانت
۱۰. حجره	۲۸. متأثر	استسقاء: مستقی - ساقی - سقا منظوم	
۱۱. سراچه	۲۹. صراحت	سهل: سهولت - تسهیل	
۱۲. آماس	۳۰. طبع و قریحه	ممتنع: امتناع - منع	تعمیر
۱۳. فرط هیجان	۳۱. مدح و ثنا	کاهل	عیار
۱۴. قوز کرده	۳۲. صباحت	ثمین	طبع: سرشت
۱۵. مسجع	۳۳. تقدیر	رافت (رئوف)	تبع: پیروی کردن
۱۶. شیر آغوز	۳۴. میثاق	مشعشع (تشعشع)	تعمیر: عمارت - عمران - معمار
۱۷. پالیز	۳۵. اهمال	اشعه - شعاع	اتفاق: موافقت - توافق
۱۸. عضله	۳۶. طهارت	زعفران	تسخیر
اصناف (صنف)	بو قلمون	سند (جیحون)	تسخیر
وسایط (واسطه)	نفاس	شفق	تسلط
مقام (منزلت)	نظیر: توجه	مهلك	لعاب
طین (گل)	نذر: هدیه	غلتیدن	توازن
تعبیه	حیات: زندگی	قدر: ارزش	نعره
اسرافیل	حیاط به محوطه	غدر: خیانت	قاطر
عزرائیل	استحقاق	مضامین	اهتزاز
ذوالجلالی	جسم و قالب	ثمره	بیرق
تاب (طاقات)	ابلیس	رعنا	گسیخته
طوع و رغبت	تلبیس	آغامحمد	اعجاب

مهمیاب	قائم	مهمل	اکراه
واعظ	اذن	مرصاد	قبضه
افراط	طوایف	خواست (سوال)	طائف
وقفه	تباهی	مار بوا	مذلت
حزب بعث	دغل	رأفت	اعزاز (عزیز)
اسرا (اسیر)	کاهلی	شفقت	الطاف
سماور	عجین	مشعشع	الوهیت
منزوی	نزاع	ظلوم	ازل
مسلح	مواضع	غو (غریو)	عین (نظیر)
مسحور	تعجیل	گرزه	رشحه
	زهاب	فتراگ (برگستوان)	رخصت
	ورطه	سوفار	حلول
	طاققت فرسا	زه	بذل (ایثار)
	صفویه	هلال	سترگ
	خطه	گشت و گذار	طوق
	التفات	فایق	محوطه
	گزاردن	روضه خلد	سم سمند
	سیادت	توجیه	ظلمت
	مناصحت	بازل مشهدی	علم (بیرق)
	معونت	هزبر - غضنفر	نصیر (فتح)
	عقده	زره	منسوب (نسبت)
	ثقت (وثیقه - میثاق - موثیق)	حرب	(فربه)
	وقیعت	منزه	ثمین (گرانبها)
	موالات	طوق	قابل استنباط
	ادغام	متصدید	هذا (هان)
	اعتذار (عذر)	نزه	التیام جراحت
	نزه (نزهت - منزه)	متواتر	جهول
	تعلیمی	حبه	اساطیر
	طعنه	مطاوعت	معرب
	مهمل (محمل - کجاوه)	ضبط (تصرف)	خوالگیر
	رباط: کاروانسرا (ربات)	صواب	کهنتر

هیپل و هیو	استخلاص	مهتر
بقچه	تخلص	خبیث
طالع	دها	محضر
شماتت	سبیل	منقطع



مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

تاریخ ادبیات کتاب دهم

۱. الهی نامه: عطار نیشابوری (عطار از اولیای الهی است و زبان پرندگان را می دانست)

آثار عطار: ۱. الهی نامه ۲. منطق الطیر

۲. داستان های صاحب‌دلان و محمدی اشتهاردی (صاحب‌دلان محمدی هستند)

۳. قابوسنامه: عنصرالمعالی کیکاووس (نامه معالی بزرگ)

۴. خسرو: عبدالحسین وجدانی (خسرو وجدان نداشت)

۵. سفرنامه: ناصر خسروی قبادیانی (سفر ناصر و خسرو) = نثر - قرن پنجم / در مورد زمان و مکان و شرح جزئیات

۶. اتاق آبی: سهراب سپهری (سپهر آسمان آبی است.)

۷. پیرمرد چشم ما بود: جلال آل احمد (چشم آل احمد)

۸. شعر، ای آدم‌ها: نیما یوشیج

۹. تفسیر سوره یوسف (ع): احمد بن زید طوسی (محمد و زید) سوره یوسف را تفسیر کردند.

۱۰. پیوند زیتون بر شرخانه ترنج: موسوی گرمارودی (پیوند زیتون بر شاخه ترنج در کنار رودی انجام شد)

۱۱. شاهنامه: فردوسی

۱۲. اخلاق محسنی: حسین واعظ کاشفی (اخلاق و وعظ محسن)

۱۳. لطایف الطوائف: فخرالدین علی صفی

۱۴. داستان‌های دل‌انگیز ادب فارسی: زهرا کیا (خانلری) (خانلری از کیا و بزرگان ادب فارسی است)

۱۵. مائده‌های زمینی و تازه: آندره ژید (ترجمه مهستی بحرینی)

(مائده زمینی از آندره خرید)

۱۶. بینوایان: ویکتور هوگو

۱۷. سمفونی پنجم جنوب: نزار قبتانی (ترجمه محمد شکرچی - ناهید نصیحت - سیدهادی خسروشاهی)

تاریخ ادبیات کتاب دوازدهم

۱. سعدی (سعد = خوشبختی) / بوستان (شعر) / گلستان (نثر) کسی در این وضعیت کرونا باغ و بوستانی داره خوشبخته (از

گلستان و باغ نقاشی کشیدن حالی می‌ده)

هیچ نقاش نمی‌بیند که نقشی بر کشد وان که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای

۲. کللیله و دمنه (دو اسم خاص) ← این اسم‌ها ترجمه می‌خواد دیگه که خدا باید کمکش کنه

ترجمه کللیله و دمنه ← نصرالله منشی (یاری خدا)

گویند که بطی (مرغابی) در آب روشنایی ستاره دید ... (کللیله و دمنه نام دو روبراه و این کتاب از زبان حیواناته (روباه و مرغابی)

۳. پروین اعتصامی: دیوان اشعار (شاعر)

۴. خواجه نظام‌الملک توسی: سیاست‌نامه (نثر)

(هر نظامی هر ملکی برای بقاء خودش، سیاستی می‌خواهد)

- گر بدین حال تو را محتسب اندر بازار بیند بگیرد و حد زند

- محتسب و حد زند هم از واژه‌های نظام و ملک است.

- کلمات زاهد و صوفی و واعظ - محتسب - طایر قدس تزویر و ریا می‌کنند و در شعر حافظ آدم‌های خوبی نیستند. (به‌غیر از طایر قدس)

۱. زاهد ظاهر پرست از حال ما آگاه نیست در حق ما هر چه گوید جای هیچ آگراه نیست

۲. با محتسب عیب مگوئید که او نیز پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است

۳. دور شو از برم ای واعظ و بیهوده مگوی من نه آنم که دگر گوش به تزویر کنم

۴. همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس که دراز است ره مقصد و من نوسفرم

نظامی: شاعر قرن ششم استاد مناظره (گفت؟ گفت)

نخستین بار گفتش کز کجایی؟ بگفت از دار ملک آشنایی

در مناظره یکی از دو طرف عاجز میشه و طرف دیگه حاضر جواب تره

چو عاجز گشت خسرو در جوابش نیامد بیش پرسیدن صوابش

به یاران گفت کز خاکی و آبی ندیدم کس بدین حاضر جوابی

مولوی (مولانا): محتسب و گرو

ای محتسب بگذار و رو از برهنه کی توان بردن گرو؟: گفت مست

غزل اجتماعی: غزل مضمونش عشق است اما در دوره مشروطه غزل‌ها چون سیاسی و اجتماعی بود به آن غزل اجتماعی می‌گویند.

غزل اجتماعی / بقی
 بهار
 عارف قزوینی
 فرخی یزدی

وحشی بافقی: مور و سلیمان

همت اگر سلسله جنبان شود مور تواند که سلیمان شود

صایب تبریزی: شاعر قرن ۱۱ ← طفلک تبریزی بود و در اصفهان به حالت غربت دفن شد.

نشاط غربت از دل کی برد حُب وطن بیرون به تخت مصرم اما جای در بیت‌الحن دارم

قصص الانبیاء: (قصه پیامبران) ← (یعقوب از پیامبران بود)

در بیت‌الحن درآمد و نالید. چنانچه هر پرنده بر بالای سر یعقوب بود، نالید

روایت سنگرسازان ۲ ← عیسی سلمان لطف‌آبادی (خاکریز)

عیسی سنگر و خاکریز می‌ساخت (واج‌آرایی س)

ظهیرالدین فاریابی: (پشت دین) = سریر - کردگار

سریر ملک عطا داد کردگار تو را به جای خویش دهد هر چه کردگار دهد

شهریار: شاعر معاصر

دردناک است که در دام شغال افتد شیر / یا که محتاج فرومایه شود مرد کریم
از ویژگی‌های شهریار (پادشاه) ← شیر بودنش است کریم بودنش است

عارف قزوینی: شاعر مشروطه (عارف = خُم = خاموش بودن)

دلا خموشی چرا؟ چو خُم نجوشی چرا؟ / برون شد از پرده راز، تو پرده پوشی چرا؟

محمدتقی بهار:

شعر دماوند در سال ۱۳۰۱ ← به خاطر هرج و مرج قلمی در مطبوعات / و آزار وطن خواهان سروده شده است.

احمد عربلو: قصه شیرین و فرهاد ← نثر (شیرین و فرهاد عرب نبودند و قصه‌ها نثره)

فخرالدین اسعد گرگانی: اسعد (خوشبخت‌ترین) گرگانی دستور (وزیر) بود نادان نبود

چه نیکو گفت با جمشید دستور که با نادان نه شیون باد نه سور

فردوسی: شاعر قرن چهارم (استاد سخن)

گر ایدونک دستور باشد کنون بگوید سخن پیش رهنمون

مولوی: استاد فعل‌های تکراری + شد (واج‌آرایی در ش)

مکر او معکوس و او سر زیر شد روزگارش برد و روزش دیر شد

بیگاه شد بیگاه شد خورشید اندر چاه شد خورشید جان عاشقان در خلوت الله شد

صائب تبریزی: (استاد ضرب‌المثل)

مستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد غنچه خاموش، بلبل را به گفتار آورد

زیب‌النساء: شاعر ایرانی نیست (زیب همه فرزانه بود)

عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را دزد ناشی می‌کشد اول چراغ خانه را

سلیم طهرانی: (سلیم زلف‌هاش آشفته بود و شانه نیاز داشت)

شانه می‌آید به کار زلف در آشفته‌گی آشنایان را در ایام پریشانی بپرس

غنی کشمیری: (غنی و بینباز بین گدا و شاه فرقی نمی‌دانند)

عشق بر یک فرش بنشانند گدا و شاه را سیل، یکسان می‌کند پست و بلند راه را

۱. مثنوی معنوی مولوی ← وی وی ← شعر
مولوی:
۲. فیه مافیہ ← فی - فی ← نثر

شهاب‌الدین سهروردی: (نویسنده و عارف) ← فی حقیقة العشق / شهاب (جرعة عشق) ← نثر

عین‌القضات همدانی: تمهیدات ← نثر
تمهیدات: آراستگی‌ها، آراستگی برای چشم (مخصوصاً قاضیان)

فخرالدین عراقی: (عراقی شیدایی و عاشق بود)
بیم آن است کز غم عشقت سر بر آرد دلم به شیدایی

فروغی بسطامی: (درد فروغی چاره نداشت)
درد هر کس را که بینی در حقیقت چاره دارد من ز عشقت با همه دردی که دارم ناگزیرم

عطار: شاعر و نویسنده قرن ششم
۱) تذکرة الاولیاء ← زندگی بزرگان ← نثر

عطار چون از اولیاء بود زبان پرندگان را می‌دانست.
۲) منطق الطیر (زبان پرندگان) ← شعر
(استاد شعر در مورد پروانه و شمع و آتش)

ببین آخر که آن پروانه خوش
چو شمعی رسد پروانه را نور
چگونه می‌زند خود را به آتش
در آید پرزنان پروانه از دور

ابتهاج (لایق بزم)
هوشنگ ابتهاج: شاعر معاصر ← دو نفر لایق هستند
محمدعلی بهمنی (لایق صحبت)
صبر بر داغ دل سوخته باید چون شمع
لایق صحبت بزم تو شدن آسان نیست

محمدعلی بهمنی:

من که هر آنچه داشتم اول ره گذاشتم / حال برای چون تویی اگر که لایقم بگو

حسین منزوی: شاعر معاصر (منزوی: گوشه گیر و گوشه نشین)

گوشه نشین کارش تمومه

بی عشق زیستن را جز نیستی چه نام است؟ یعنی اگر نباشی، کار دلم تمام است

غربتی در اصفهان و پر از پیچ و تاب و غم و غصه

استاد ضرب المثل

صائب تبریزی

می تواند حلقه بر در زد حریم حُسن را در رگ جان هر که را چون زلف پیچ و تاب هست

دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی: شاعر و استاد دانشگاه (و سرشک)

اثر: مثل درخت، در شب باران

در شب بارانی کنار درختی، سرشک (اشک) از من سرازیر می شد

دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی: از پاریز تا پاریس

(هم پاریز هم پاریس باستانی و قدیمی هستند)

خاقانی: شاعر قرن ششم (شاعر سختگو (واج آرایی ق)

طاق پذیر است عشق، جفت نخواهد حریف / بر نمط عشق اگر پای نهی طاق نه

www.my-dars.ir

منوچهری: استاد توصیفات (توصیف معشوق و طبیعت)

چون ابروی معشوقان با طاق و رواق است چون روی پرویان با رنگ و نگار است

دکتر علی شریعتی: کویر (دین علی در کویر می باشد)

سهراب سپهری: شاعر نو (به تقلید از نیما یوشیج) (استاد استفاده از طبیعت و شهر)

من نمازم را وقتی می خوانم که اذانش را یاد گفته باشد سر گلدسته سرو / من نمازم را پی تکبیرة الاحرام علف می خوانم / پی قد قامت موج

در کف کاسهٔ زیبایی / بر لب‌ها تلخی دانایی / شهر تو در جای دگر

محمد بهمن بیگی: بخارای من ایل من (بیگ ایل)
درس به تقلید از بوی جوی مولیان رودکی)

سلمان هراتی: دری به خانهٔ خورشید (هرات در شرق واقع شده خورشید هم از شرق طلوع می‌کند)

سیاوش کسرائی: شاعر معاصر (شعر نو)

سیاوش خیلی غمگین بود (سیاوشون نوع عزاداری و غم)
ای منتظر، مرغ غمین در آشیانه / من گل به دستت می‌دهم من آب و دانه

سانتا ماریا (مجموعهٔ آثار): سید مهدی شجاعی
مهدی خیلی شجاع بود که مار را سانت کرد

سید حسن حسینی: شاعر معاصر

نه حسن نه حسین از مرگ ترسی نداشتند و در جنگ زخم برداشتند

کسی چون تو طریق پاکبازی نگرفت با زخم نشان سرفرازی نگرفت

زین پیش دلاورا، کسی چون تو شگفت حیثیتِ مرگ را به بازی نگرفت

علی سهامی: شاعر معاصر

(خیلی نظامی و شهر گنجه را که زادگاه نظامی بود دوست داشت.)

برای وصف میدان‌های پرمین برای وصفِ خال و زلفِ چین چین عصر

می‌شوم در قصر شیرین «نظامی» نه در شیراز و نه در شهر گنجه

www.my-dars.ir

محمدتقی بهار: نوبهار - سبزه - لاله)

هر سال چو نوبهار خرم بیدار شود ز خواب نوشین

تا باز کند به روی عالم دیباچه خاطرات شیرین

از لاله دهد به سبزه زیور ای دوست مرا به خطر آور

نظامی: غلام عشق شو، که اندیشه این است همه صاحب‌دلان را پیشه این است

پیشه عشق: نظامی از بنیانگذاران شعر عاشقانه است.

هر که نمرودی است، گو می ترس از آن

مولوی: آتش ابراهیم را نبود زیان

داستان نمرود در شعر مولانا

اخوان ثالث: در حیاط کوچک پاییز در زندان، سه اخوان (برادر) در زندان بودند

طاهره صفارزاده: شاعر معاصر ← رابطه طاهر (پاک) بودن با صلح

باید به دواری بنشینم / شوق رقابتی است / ... معنای صلح را مرادف اول؟؟

بیدل دهلوی: شاعر سبک هندی

باید که به رنگ شمع از رفتن سر خندد

با اهل فنا دارد هر کس سر بکرنگی

بیدل: عاشق فنا را دوست دارد و از دادن سر می خندد

فاضل نظری:

این بار می برند که زندانی ات کنند

یوسف به این رها شدن از چاه دل میند

یوسف در چاه افتد و نظری به بالای چاه کرد

رضا امیرخانی: ارمیا

تاریخ ادبیات (کتاب یازدهم)

۱. فرهاد و شیرین: وحشی بافقی

۲. تاریخ بیهقی: ابوالفضل بیهقی (تاریخی که مال بیهقی هست)

۳. تحفة الاحرار: جامی (جامی هدیه‌ای به آزادمردان داد)

۴. اسرار التوحید: محمدبن منور (رازهای خداشناسی از محمد نورانی است)

۵. روزها: دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن (روزهای محمد اسلامی است)

۶. میثاق دوستی: لطفعلی صورتگر (عهد و میثاق صورتی از لطف علی است)

۷. نظامی گنجوی: ۱. مخزن الاسرار ۲. لیلی و مجنون ۳. هفت پیکر ۴. اسکندرنامه (ملخها)

۸. مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد: نجم‌الدین رازی (دایه) (راز مبدأ به معاد راز کمینگاه است)

۹. غزلیات شمس: جدال‌الدین محمد مولوی (مولوی ارادت‌مند شمس است)

۱۰. عباس میرزا - آغازگری تنها: مجید واعظی (عباس آغازگر وعظ و پند است)

۱۱. رباعی‌های امروز: ۱. سلمان هراتی ۲. مصطفی علیپور ۳. محمدعلی مجاهدی (پروانه) ۴. مصطفی محدثی خراسانی (عمه محدثه)

۱۲. هم صدا با حلق اسماعیل: سید حسن حسینی (صدای حلق اسماعیل شبیه صدای حسن حسینی است)
۱۳. کاوه دادخواه: غلامحسین یوسفی
۱۴. روضه خلد: مجدخوانی (باغ بهشتی، بزرگی و مجد دارد)
۱۵. حمله حیدری: باذل مشهدی (حیدر بخشنده است)
۱۶. جوامع الحکایات و لوامع الروایات: محمد عوفی (حکایات و روایات زیاد عوف دارد)
۱۷. شلوارهای وصله دار: رسول پرویزی (شلوار رسول و پرویز وصله دارد)
۱۸. سه دیدار: نادر ابراهیمی (ابراهیم سه دیدار نادر و کمیاب داشت)
۱۹. ماه نو و مرغان آواره: رابیندرانات تاگور (مرغ آواره تاگور فاصله‌ای ندارد)
۲۰. پیامبر و دیوانه: جبران خلیل جبران (پیامبر خلیل، جبران می کند)
۲۱. دیوان غربی - شرقی: یوهان ولفگانگ گوته
۲۲. پرنده‌ای به نام آذرباد: ریچارد باخ (باد - باخ) = ترجمه سودابه پرتوی

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

«از مجموعه آثار عطار»

قمر را روشنایی نامه داده

عطار را دوات و خامه داده

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir